

- شهدا ثابت کردند نباید اهداف آرمانی، متأثر از سختیهای روزمره شود ۱
- ماجرای حذف صفحه سوم اساسنامه مؤتلفه ۱
- نظر مراجع نسبت به اقدام انقلابی شهدای مؤتلفه اسلامی ۲
- مروری بر عروج شهدای مؤتلفه ۳
- شهید بهشتی: مردمی کردن حرکت انقلاب، نتیجه کار مؤتلفه اسلامی بود ۳
- اولین شهیدان جهاد تبیین ۴
- روایت مرحوم قدیریان از مقاومت مادر شهید حاج صادق امانی ۴
- روایت مرحوم عسکر اولادی از لحظات وداع ۵
- تفاوت ترور، اعدام انقلابی و اجرای حکم الهی ۶

امام خامنه ای با اشاره به شهدای چهار گانه مؤتلفه اسلامی:

# شبهات شهادت آنها به شهادت اصحاب امام حسین (ع) بیشتر است



دکتر بادامچیان با اشاره به اجرای حکم الهی شهدای مؤتلفه اسلامی مطرح کرد:

## شهدای حافظ عزت و شرف ایران

# شهدای حافظ عزت و شرف ایران

دکتر بادامچیان

شهدای ۲۶ خرداد ۴۲، امانی، بخارایی، نیک‌نژاد، هرنندی و یاران شهید آن‌ها



عراقی و اندرزگو از جهات مختلف سعادتمند و موفق بودند:

- \* آغازگر جهاد مسلحانه در مسیر ایجاد حکومت اسلامی و براندازی نظام طاغوت
- \* اطاعت از مرجعیت و ولایت فقیه و رهبری انقلاب اسلامی امام خمینی در اجرای نظر امام در سخنرانی و بیانیه ضد کاپیتولاسیون که فرمودند و الله کبیره کرده است هر کس داد نزنند.
- \* در هم شکستن توطئه تنگین کاپیتولاسیون نظامی آمریکا که شرف و عزت و ناموس و غیرت ایران و ایرانی را هدف گرفته بود.
- \* مجازات حسنعلی منصور مهره پلید، آمریکایی و ضد اسلام در ایران که عبرت مزدوران دیگر استکبار شد.
- \* ایجاد روحیه در ملت و شجاعت و پایداری و مقاومت در برابر استعمار و توطئه‌های استعماری
- \* ایجاد سازمان جهاد مسلحانه موفتلفه اسلامی که امتداد آن در جریان‌های سال ۵۶-۵۷ و انتظامات کمیته استقبال از امام تجلی کرد.
- \* فدکاری در راه عزت و شرف اسلامی در سخت‌ترین شرایط حاکمیت ظالمانه طاغوت و خفقان و دیکتاتوری
- \* دقت و رعایت ضوابط و معیارهای شرعی و اقدام بر اساس تکلیف شرعی و خط ولایت و سیره عاشورایی در سپیده انقلاب اسلامی
- \* پاسخ دشمن شکن و استعمار برانداز و شکننده به توطئه کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی
- \* آمیخته کردن مبارزه سیاسی و حزبی و سازمان یافته با عبادت و تهجد و تعبد در عرفان و معنویت الهی
- از این رو است که امام خامنه‌ای می‌فرمایند: «این شهدای چهارگانه (امانی، هرنندی، نیک‌نژاد، بخارایی) که جناب آقای عسگر اولادی از این بزرگواران یاد کردند، شاید این تعبیر درباره آنها درست باشد که بگوئیم نورالله‌فی ظلمات الارض. به هر حال اینها ستارگان و برجستگانی بودند که در راه خدا رفتند. راهی را انتخاب کردند و نتیجه این شد که مشاهده می‌کنید یعنی حاکمیت اسلام در دوران سیطره کفر و استکبار بر عالم چیزی که به افسانه شبیه است. این شهدای چهارگانه حقیقتاً در دوران ظلمات نور خدا بودند که درخشیدند، فضا و دل‌ها را روشن کردند، راه را به خیلی‌ها نشان دادند.»

سید مصطفی میر سلیم :

## شهدا ثابت کردند نباید اهداف آرمانی، متاثر از سختیهای روزمره شود

صادق رخ فرد



سید مصطفی میر سلیم معتقد است که شهدای بزرگوار موفتلفه، ضمن پیش‌بینی دقیق مراحل اجرایی برای اقدام موفق، خود را برای ابراز پایمردی و برافروخته نگاه داشتن مشعلی که روشن شده بود، با ابلاغ پیام اقدام انقلابی خود به مردم، الگویی برای حفظ ثبات قدم تا نوشیدن شربت شهادت، ارائه کردند. آنها اثبات کردند چگونه نباید اهداف آرمانی، متاثر از سختیهای روزمره جامعه و تنگناهای معیشتی شود.

به مناسبت سالروز شهادت شهدای حزب موفتلفه اسلامی انجام داده ایم که مشروح آن در ادامه از نظر تان می‌گذرد.

### به نظر شما انگیزه اصلی شهدای موفتلفه در اعدام انقلابی منصور چه بود؟

بسم الله الرحمن الرحیم. انگیزه اصلی آنها به ایمان و اعتقاد راسخشان بر می‌گردد. آنها بدرستی احساس مسئولیت کردند نسبت به شرایط طاغوتی حاکم بر جامعه و بنا به تعهد ایمانی خود بپا بستند.

### آیا اقدام متعهدانه آنها فقط متکی به شور و شوق انقلابی آن زمان بود؟

شور و شوق انقلابی به جای خود محفوظاً؛ تشخیص این که مسئولیت مشکلات مبتلا به کشور و نواقص و ظلم‌هایی که در جامعه رخ می‌دهد با کیست، نیازمند آگاهی عمیق از شرایط اجتماعی و بررسی علتها و شناسایی عوامل بوجود آورنده نابسامانیها است و این راه را شهدای موفتلفه با دقت طی کردند و مبنای اقدام آنها کاملاً آگاهانه بود. آنها ریشه‌ها را می‌شناختند و عوامل موثر اصلی را تشخیص داده بودند و عمل آنها متکی به غلبان احساسات نبود.

### چه نکاتی در فرآیند تصمیم‌گیری آنها دخیل بود؟

با توجه به بحرانی بودن شرایط خفقانی آن دوران و خطیر بودن آثار و عواقب تصمیم‌گیری درباره ضرورت اصلاح و رفع اشکال، شهدای بزرگوار موفتلفه تشخیص خود را در سلسله مراتب ولایتی، عرضه کردند تا مطمئن باشند گرفتار غلبه نفسانیات نشده‌اند و کار آنها در بارگاه الهی قابل دفاع و عدم اقدام آنها ناخشنودی حق تعالی را دربردارد. لذا مبادرت به استئذان (اجازه گرفتن) نمودند.

### پس از اذن گرفتن چگونه مبادرت به اقدام انقلابی خود نمودند؟

ابتدا در مورد مصداق مورد نظر و باز بودن بطلان او به مشورت پرداختند و سپس برای اقدام انقلابی خود به طراحی پرداختند و جزئیات برنامه و الزامات آن را مشخص کردند و ضمن رعایت جنبه‌های حفاظتی به گردآوری اطلاعات و تکمیل اطلاعات اجرائی پرداختند.

### چگونه وارد صحنه عمل شدند؟

پاسخ: اجرای چنان طرحی با توجه به آثار و عواقب مهمی که دربردارد باید بدون نقص باشد و لذا شهدای بزرگوار مبادرت به تمرین عملیات نمودند به گونه‌ای که مطمئن شوند حتی در شرایط پیش‌بینی نشده، اجرای طرح با مشکل مواجه نمی‌شود و با تسلطی که بر نحوه اجرای طرح وجود دارد و مقابله درجا با حالات اضطراری، نتیجه مطلوب حاصل می‌شود.

### آیا امکان پیش‌بینی تمام حالات اضطراری وجود داشت؟

پاسخ: قطعاً امکان پیش‌بینی کامل همه جزئیات وجود نداشت اما تقسیم وظیفه هوشمندانه با توجه به خصوصیات فردی شهدا، و تعیین زمان بندی و اجرای داهیهانه طرح موجب تفوق بر آثار ناشی از رخ نمودن حالات استثنائی و اضطراری پیش‌بینی نشده، گشت.

### پس از اجرای طرح چه تحولی در وضع روحی شهدای بزرگوار رخ داد؟

پاسخ: شهدای بزرگوار موفتلفه، ضمن پیش‌بینی دقیق مراحل اجرایی برای اقدام موفق، خود را برای ابراز پایمردی و برافروخته نگاه داشتن مشعلی که روشن شده بود، با ابلاغ پیام اقدام انقلابی خود به مردم، الگویی برای حفظ ثبات قدم تا نوشیدن شربت شهادت، ارائه کردند. آنها اثبات کردند چگونه نباید اهداف آرمانی، متاثر از سختیهای روزمره جامعه و تنگناهای معیشتی شود.



امام خمینی (ره):

## شما از انقلابیون اول نهضت اسلامی هستید

همراه بود و زحمت کشید. من او را مرد بسیار صالح و بسیار فداکاری می دانم. صحیفه نور، جلد ۱۸ ص ۸۲ و ۸۵

می شناختم انصافاً مردی بود که عمرش را صرف خدمت به اسلام کرد. بعضی شان را خیلی خوب می شناسم. مثل آقای عسکرو لادی که ایشان هم نظیر مرحوم عراقی از اول نهضت

\* شما از انقلابیون اول نهضت اسلامی هستید انقلابیون اول نهضت اسلامی صالح و بسیار فداکار من مرحوم عراقی را از آن اولی که نهضت شروع شد..

مرحوم آیت الله العظمی صافی گلپایگانی:

## مواضع حزب موفتلفه اسلامی همواره مورد تأیید و تقدیر مراجع است

هم المفلحون) یک چنین جمعیت هایی که بر اساس خدمت به اسلام و تضمین دین و شرع و امر به معروف و نهی از منکر وجود پیدا کرده باشند و عمل به توصیه امام بکنند بسیار محتاج هستیم و امر بقاء دین و بقا اسلام و مذهب در گرو چنین افرادی که در این امور اهتمام داشته باشند هیچ جهادی از این بالاتر نیست اگر به این کیفیت انسان کار را ادامه بدهد این جهاد اکبر است این کسانی که این کارها را انجام می دهند بر حسب بعضی روایات جانشین اولیاء در روی زمین هستند.

حزب موفتلفه اسلامی تشکلی است که همه مسائل سیاسی رازیر نظر داشته و به دنبال خیر و صلاح دین و مملکت است و هم با اقشار مختلف مردم در ارتباط هستند و این ویژگی خاص حزب موفتلفه اسلامی است می دانم که فکر نیتان این است که به اسلام خدمت بکنید از ابتدا تأکید شما بر این بوده است که یاری دین و نصر امام زمان را بر عهده داشته باشید و به این افتخار نائل گردید و اصحاب بین و قرآن باشید. (و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک



آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

## در مسیر حزب موفتلفه اسلامی انحرافی دیده نشده است

تا اکنون هم که ۳۰ سال از عمر انقلاب اسلامی گذشته در مسیر حزب موفتلفه اسلامی انحرافی دیده نشده و امیدواریم همچنان ثابت قدم بمانید.

موفتلفه اسلامی از سال های قبل از انقلاب با تلاش مخلصانه و شجاعانه وارد میدان شد و در کنار روحانیت و مرجعیت توانست به اهداف برسد.

آیت الله العظمی نوری همدانی با اشاره به شهدای ۲۶ خرداد حزب موفتلفه اسلامی:

## حرکت این چهار شهید باید در جامعه فرهنگ سازی شود



آیت الله نوری همدانی گفت: بر مبنای آموزه های اسلام، دین کسی کامل است که یا جهاد کرده و یا برای آن آماده باشد.

آیت الله حسین نوری همدانی گفت: جهاد در اسلام دارای موقعیت ویژه ای است که البته در زمان مختلف ارزش های متفاوتی دارد.

وی در ادامه، ارزش مبارزه جهادگران قبل از انقلاب را بالاتر از جهادگران پس از پیروزی انقلاب اسلامی دانست و افزود: در زمانی که خفقان رژیم ستمشاهی ایران را فرا گرفته و در دنیایی که مستکبران غربی بر همه امور ملت ها مسلط بودند، جهاد در راه خدا و احیای اسلام ناب محمدی (ص) کار ساده ای نبوده است. این مرجع تقلید در ادامه تصریح کرد: شهدای حزب موفتلفه اسلامی که حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت دولت پهلوی و ارائه کننده لایحه کاپیتولاسیون را به قتل رساندند، بسیار شجاعانه به وظیفه شرعی خود عمل کرده و از آرمان های امام و انقلاب پشتیبانی کردند.

مدرس خارج فقه حوزه علمیه قم با بیان این که حرکت این

چهار شهید باید در جامعه فرهنگ سازی شود، خاطر نشان کرد: پیشرفت و رشد چشمگیر امروز اسلام و انقلاب مرهون فداکاری های شهیدانی همچون شهدای موفتلفه است. آیت الله نوری همدانی در بخش دیگری از سخنان خود اصلاح دین و جامعه را وابسته به جهاد و مفهوم والای آن دانست و تأکید کرد: هر ملتی که جهاد را کنار گذاشته باشد، دچار ذلت شده و دین و فرهنگ و عزتش از بین خواهد رفت.

این مرجع تقلید در پایان تصریح کرد: حاکمیت فرهنگ جهاد، مانع حمله نظامی آمریکا به کشور ایران بوده است و تا این فکر در جامعه حاکم باشد، ملت ما عزیز و سر بلند است.



## شهید بهشتی : مردمی کردن حرکت انقلاب، نتیجه کار موفقی بود اسلامی بود

افرادی که حالا جزو میان سالها هستند، با افراد خیلی جوان اینها عناصر فعال در حزب جمهوری اسلامی هستند. اینها هنوز هم بحمدالله با بسیاری از آن کمالات روحی و جوش و خروش معنوی و اسلامی که دارند فعالیتشان را ادامه می دهند.

البته در این حزب افراد و عناصر دیگر از دوستان روحانی، تحصیلکرده، فارغ التحصیل دانشگاهی، معلم و گروههای اجتماعی دیگر، دانشجویان و غیره وجود دارند که واقعا آنها نقطه شروع حرکتشان جمعیتهای موفقی نبوده است و از جاهای دیگر شروع کرده بودند، ولی در اینکه یک رکن مهم از ارکان تشکیل این حزب و ادامه کار او، همین موفقی هستند، تردیدی نیست.

امیدوار هستیم که حرکت در خط اخلاص، در خط ایمان به خدا، ایمان به وحی، ایمان به معاد، و جهاد با جان و مال همگی ما بیشتر به ثمر برسد و حکم کلمه طیبه و پاکیزه‌ای را داشته باشد که ریشه‌هایش در اعماق زمین و شاخه‌هایش در فضای بیکران آسمانها باشد و هر روز میوه‌ها و بار و بر مطلوب تازه‌ای را به بشریت و به تاریخ عرضه کنیم. انشاءالله

یاری کند.

### مکرر در اروپا از موفقی نام می‌بریم

به هر حال من در جمع، برداشتم از این جمعیت بسیار مثبت بود و مکرر در اروپا از اینها نام می‌بریم و به دانشجویان می‌گفتم که شما توجه داشته باشید که الان در میان مردم معمولی در ایران، تشکیلات سیاسی هست که از نظر تشکل و انضباط و قدرت و حرکت و سرعت حرکت و عمق حرکت، از بسیاری از این تشکیلاتی که ما در اروپا داریم، قوی‌تر، اصیل‌تر و موثرتر و پیش‌روتر است.

### در حقیقت حزب جمهوری اسلامی هم ادامه جمعیت موفقی است

این را مکرر به آنها می‌گفتم و یک چنین خاطره خوبی در ذهن من از این جمعیت باقی مانده. من می‌توانم بگویم در حقیقت حزب جمهوری اسلامی هم ادامه این جمعیت هست.

شهید بهشتی - هیات‌های موفقی، پرکار، پر توان، با ایمان، پر شور و پر حرکت بود. مخصوصا اینکه می‌توانست زیر پوشش روابط کسب و کار و مسافرت و دیدار آشنایان و (امثال) اینها در سرتاسر ایران حضور خودش را نشان بدهد و یک نقطه قوت عالی بود.

همچنین اینکه متعهد بود که حرکت باید در رابطه با مرجعیت و روحانیت مبارز و متعهد جلو برود و هویت اصیل خودش را حفظ کند از این نظر هم بسیار خوب بود.

مستقل بود این حرکت وابسته به هیچ قدرت خارجی نبود وابسته به امت بود و امامت.

انضباط تشکیلاتی خوب بود، از بسیاری از تشکیلاتی که تا آن موقع موجود آمده بود منضبط‌تر بود. جدی بودند افراد، سخت‌کوش بودند افراد، شب و روز نمی‌شناختند برای کارشان، فداکار بودند، حماسی بودند. واقعا با حماسه بودند، و خیلی این نکته مهم است که اینها حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی را در متن توده‌ها آغاز کردند و ادامه دادند.

بنابر این توده‌ای کردن، خلقی کردن، مردمی و عمومی کردن حرکت به مقدار زیادی، نتیجه کار اینها است.

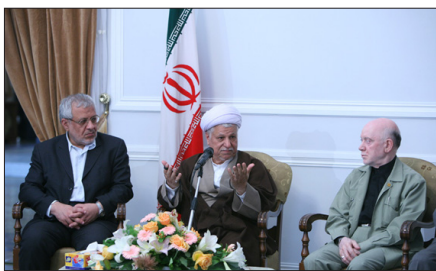
اینها جنبه‌های مثبت حرکت بودند. جنبه‌های منفی حرکت این بود که زمانش کوتاه شد و چندان خودش دوام نیافته بود، البته بعد به شکل‌های دیگر دوام پیدا کرد، این مدرسه رفاه، بنیاد رفاه، اینها همه شکل ادامه این همبستگی و حرکت در سالهای بعد بود، اما طبعاً عمرش کوتاه بود...

ما از اینکه عمرش کوتاه بود نرنج بریم ما از وی می‌گفیم که دو سه سال دیگر فرصت داشتیم و محتوای ایدئولوژیک این را غنی‌تر و شکل یافته‌تر می‌کردیم، همان تحقیقاتی که ما در زمینه حکومت اسلامی بصورت دست‌جمعی آغاز کرده بودیم پیش می‌رفت، آن مطالعات سیاسی که بر رسی جراید یکی از کارهایش بود پیش می‌رفت و به هر حال امیدها داشتیم که بتوانیم آن موقع این را به صورت یک حزب نیرومند و بصورت یک سازمان اسلامی در بیاریم، که در رابطه با امت و امامت، حرکت عمیق و نیرومند اسلامی را جلو ببرد.

ولی همانطور که حالا می‌بینیم حرکت‌های قهرمانانه و تلاش‌های سرسختانه این جمعیت خیلی خیلی حسن اثر دارد و تشکل اینها حسن اثر داشت و توانست تا مدتها انقلاب اسلامی عزیزمان را

## مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی مطرح کرد:

## شهدای موفقی تأثیرگذارترین عامل استمرار و ثبات دین



فعالیت‌هایی شد که جمع ما در هدایت آن نقش داشت. در ماه رمضان با هماهنگی گروه ما و هیئت‌های موفقی بنا شد که در تهران مراکزی برای گرم شدن مبارزه و شکستن سکوت و خفقان ایجاد شود. برای مسجد جامع تهران و چند جای دیگر برنامه‌ریزی شد در برنامه‌ریزی آن مجالس من با همکاری شهید آقای مهدی عراقی حضور فعالی داشتیم بنا شد افرادی را آماده کنیم برای سخنرانی در آن مجالس به صورتی که اگر یکی دستگیر شد دیگری برای مجلس آماده باشد. سه نفر را آماده کردیم که اگر در بدینانه‌ترین فرض هر روز هم یکی را می‌گرفتند جلسات تا آخر ماه رمضان ادامه پیدا می‌کرد.

جلسات خصوصی‌تر هم بود که سران و افراد مشخص مبارزه می‌آمدند در بعضی از این جلسات هم من صحبت می‌کردم. این مجموعه برنامه ماه رمضان برنامه موفق و خوبی بود و توانست آن را بشکند. افرادی هم بودند که می‌خواستند کارهای تندتری انجام شود و ترور منصور و بازداشت شاخه نظامی موفقی مبارزین آن ماه بود. شب بعد از حادثه شهید عراقی ضمن شرح ماجرا گفتم که ممکن است ایشان را بگیرند چون افرادی را گرفته بودند و احتمال رسیدن به ایشان زیاد بود. شب‌ها خانه خودشان نمی‌خوابیدند ولی چون خبری نشد رفتند به خانه.

چندین هیئت مذهبی که جلسات مذهبی و هیئت‌های سینه زنی داشتند، در جریان مبارزه آمدند خدمت امام و آمادگی خود را برای همکاری اعلام کردند و تصمیم گرفتند که با ائتلافی از چندین هیئت تشکل ایجاد کنند. امام هم موافقت کردند و چند روحانی مورد اعتماد خودشان را برای نظارت بر کار اینها و پاسخگویی سوالات و تغذیه فکرشان انتخاب کردند، از آن جمله آقایان مطهری، بهشتی، انواری. کتاب انسان و سرنوشت آقای مطهری محصول درس‌هایی است که ایشان برای همین و جلسات دیگری از این قبیل آماده کرده بودند. من در جریان مبارزه از وجود چنین تشکلی اطلاع پیدا کردم. بعد از تبعید امام که ما آمدیم تهران کم‌کم از تشکیلات آن‌ها اطلاعات بیشتری پیدا کردیم پس از تجدید حیاتشان در پی ضربه خوردن در جریان ۱۵ خرداد همکاری من با آن‌ها بیشتر شد البته من مسئولیت تشکیلاتی نداشتم. بیشتر مورد مشورت قرار می‌گرفتم.

### تبعید امام

بعد از تبعید امام فضای مبارزه سرد شد امکان ابراز احساسات به صورت ۱۵ خرداد نبود نیروها هم با استفاده از تجربه‌های آن جریان حاضر نبودند که تلفات بی‌حساب بدهند البته در قم

هنگام سحر به ما خبر دستگیری‌شان را اطلاع دادند بعد از دستگیری آن‌ها من هم احساس خطر می‌کردم چون با بعضی از دستگیرشدگان نزدیک بودم هر چند که در جریان مورد جزئیات مرکز برنامه‌ریزی تیم عملیات و اطلاعات نداشتم... (۱)  
شهدای موفقی تأثیرگذارترین عامل استمرار و ثبات دین  
شهدای حزب موفقی اسلامی با خون خود تأثیرگذارترین عامل در استمرار و ثبات دین در جامعه شدند شما از اول با جریان نهضت امام همراه بودید و موفقی یکی از محورهای اصلی کار بود.  
موفقی از اول با نهضت امام همراه بود و یکی از محورهای اصلی کار به حساب می‌آمد.  
آن‌هایی که به ریشه وصل اند به فکر ضرر نیستند و با اخلاص وارد می‌شوند نمی‌شود در عملکرد موفقی اسلامی موردی را پیدا کرد که سیاست گذشت و فداکاری نقض شده باشد. (۲)  
۱- کتاب خاطرات مرحوم هاشمی  
۲- نشریه حزب موفقی اسلامی



(دلیل آفتاب - خاطرات یادگار امام ص ۳۶ و ۴۳)

## روایت یادگار امام حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد آقا از یاران مؤتلفه: پاسداران ستاره آزادی بهترین های انقلاب

این جمعیت در توزیع و تکثیر اعلامیه‌ها و کتابهای امام و برگزاری مراسم و شرکت فعال در راهپیمایی‌ها و تظاهرات، حمایت از قیام ۱۵ خرداد، و در ادامه نهضت - پس از تبعید امام - نقش بسزایی داشتند. شما برادران و آقا از بهترین های انقلاب هستید.

«پاسداران ستاره آزادی، در شب طولانی و تاریک اختناق ستمشاهی... جمعی از مومنین... در ارتباط و همفکری با شخصیت‌هایی نظیر شهید مطهری و شهید دکتر بهشتی بر اساس رهنمودهای امام خمینی و با هدايت و حمايت آن حضرت، هياتهای مؤتلفه اسلامی را تشکیل دادند.

## روایت مرحوم عسکر اولادی از لحظات وداع

زیر ۱۶ سال داشت و محمد بخارایی بالای ۱۸ بود. حمید گریه می کرد و بسیار تحت تأثیر بخارایی بود، بخارایی صدای گریه او را که شنید با صدای بلند گفت: حمید گریه! برای ما گریه! پسر من در هر ماه مبارک رمضان دعای کم خدایا برای ما شهادت را روزی بگردان (و قتل فی سبیلک تحت رایه نبیک) یادت باشه، هر جا برای ما مراسمی برپا کردند شاد باشی. شهید امانی گفت: خیال می کنند که سخت ترین حکم را در باره ما به اجرا گذاشته اند در حالی که این ساده ترین حکم است چون ما در لحظاتی دیگر در جوار حق هستیم و شما که مانده اید، اسپرید، وظیفه اسرا به نتیجه رساندن شهادت شهداست و از این به بعد کار شما مشکل است ما برای شما در این راه سخت دعای کنیم.

مرحوم استاد حبیب الله عسکر اولادی



انتظامی در چهار دور دایره‌ها آن‌ها را محاصره کرده بودند و آن‌ها در وسط قرار داشتند کوچک ترین عضو ما حمید ایچکی بود که

به مناسبت ۲۶ خرداد، خاطرهای از شهید محمد بخارایی برای شما بگویم. ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ ما دوازده نفر بودیم که سه نفر سه نفر ما را از هم جدا کردند تا نوبت به محمد بخارایی رسید ایشان جدا نشد. رئیس زندان سرهنگ محرری آمد و صحبت کرد گفتیم چاره‌ای نداریم جز اینکه به ما اجازه بدهید تا با یکدیگر وداع کنیم ایشان گفتند نمی‌شود، شما دیشب وداع داشتید، گفتیم این درست است ما امشب می‌خواهیم باز وداع کنیم ایشان رفتند و اجازه گرفتند و برگشتند. اینجا نکته‌ای هست که باید عرض کنم ما این چهار نفر را مثل نگین در وسط خود قرار دادیم و تعدادی نیروهای مسلح با اسلحه هم پشت سر ما ایستادند.

آن چهار نفر محکوم به اعدام دست‌ها را روی شانه‌های یکدیگر قرار دادند و مربعی درست کردند وقتی ما رسیدیم نیروهای

## دل‌های فروتن؛ نفس‌های قانع

فریاد کردند و وفاداری خود را به امام و نهضت امام صادقانه و از روی اخلاص اثبات نمودند.

### نور امید در دل‌های افسرده ملت

گفتنی است حادثه بیست و ششم خرداد نشانه عمیق اعتقاد دینی و منشأ یک حرکت مردمی در کشور گردید. در دوره‌ای که رژیم پهلوی تلاش در تزریق بی‌تفاوتی و ظلم‌پذیری و زدودن هویت دینی مردم داشت و زندگی دینی مردم را مورد تهاجم و تعدی قرار داده بود. شهادت مجاهدان اسلام در بیست و ششم خرداد، نور امید در دل‌های افسرده ملت دمید و موجب آگاهی مردم و انسجام و افزایش مقاومت آن‌ها در برابر ظلم گویان و ظالمان زمان گردید. شهدا زنده‌اند و الگوی ایثار و مقاومت‌اند.

### الگوی برای آینده نهضت اسلامی امام

فرزندان مکتب حضرت امام (ره) در بیست و ششم خرداد در کلاس مبارزه با طاغوت و رواج فرهنگ مقاومت و ستیز با ارتجاع پیروز میدان مبارزه شدند و الگوی شدند برای آینده نهضت اسلامی حضرت امام خمینی (ره). دلبران سرفراز جبهه مبارزه با طاغوت

حسین انواری\*

حزب مؤتلفه اسلامی که همراه با آغاز نهضت حضرت امام خمینی (ره) و به دست مبارک ایشان پایه‌گذاری شد، از سال ۱۳۴۱ تا پیروزی انقلاب به مدت شانزده سال با لبیک به ندای حضرت امام (ره) و با فداکاری و ایثار و اخلاص مؤمنان آگاه، بصیر و ولایت‌پذیر در تبعیت کامل از رهبر کبیر انقلاب اسلامی با محوریت مردم و صیانت از ارزش‌های اسلامی در صحنه سیاسی و اجتماعی با حضور مؤثر خودشان نقش آفرین بوده‌اند.

جوانان مؤتلفه جریان مقاومت در برابر استکبار را فریاد کردند جوانان مؤتلفه اسلامی در همان زمان با اعتقاد بر این موضوع که در نظام هستی، حق پیروز است و باطل نابود شدنی و پیروزی و رستگاری و قدرت را هم در کسب رضایت خداوند در همه احوال و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود در اندیشه و عمل می‌دانستند. جوانان مؤتلفه اسلامی در سال‌های آغازین نهضت حضرت امام (ره) در دوره سیاه و رعب‌آور و نکبت‌بار رژیم ستم‌شاهی در جهت مبارزه با ظلم با قصد کسب رضایت خداوند قیام نمودند و با جهاد و از خود گذشتن و عزم راسخ، جریان مقاومت در برابر استکبار را



در بیست و ششم خرداد شهیدان بخارایی، امانی، صفارهرندی، نبیک نژاد آن چنان با

خدای خودشان پیمان بسته بودند که دشمن و رژیم شاهنشاهی نتوانست آن‌ها را با حربه طمع و تهدید به سوی باطل خود جذب بکند. این سرداران جبهه مقاومت رفتارشان با فروتنی همراه بود. دنیا آن‌ها را به اسارت فرامی‌خواند ولی آنان جان خود را آزاد کردند و چشم خودشان را از آنچه غیر خدا بود، پوشیده داشتند. دل آن‌ها فروتن بود نفس آن‌ها قانع بود، خشمشان فرونشسته بود و از خصلت‌های ناپسند به دور بودند و همواره لبخند رضایت بر لبان شاکرشان مشهود بود. شب‌ها با خوف از غفلتی که خودشان می‌پنداشتند در پناه قرآن و انس با قرآن و مناجات شبانه مشغول بودند و موقع روز انسان‌های بردبار و پرهیز کار و از احسان و مهربانی و رحمت خداوند شادمان بودند. از خداوند درخواست می‌کنیم که همه ما را اقدردان شهیدان بگرداند و مقامشان را متعالی و دعایشان را در حق ما مستجاب نمایند. انشاء الله

\* نایب رییس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی

## روایت مرحوم قدیر یان از مقاومت مادر شهید حاج صادق امانی

لازم می‌دانم که از مادر بزرگوار شهید حاج صادق امانی - محترم خانم - یادی بکنم. وقتی حاج صادق و حاج هاشم زندانی بودند، او هیچ وقت جلوی در زندان نرفت که آن‌ها را ببیند. از ایشان خواستند که شما برای بچه‌های تقاضای عفو کن. ایشان می‌گفت که بچه‌های من خلافی نکرده‌اند که من عفو بخواهم؛ من از چه کسی عفو بخواهم؟ من از خدا تقاضای عفو می‌کنم. از او خواستند که شما بیا زندان، گفت: "نه من پشت در زندان نباید بچه‌هایم را ببینم. هرگز من آنجا نمی‌آیم." لذا وقتی مرحوم حاج صادق اعدام شد به ایشان نگفتند؛ اما او می‌گفت: "احساس می‌کنم که حاج صادق نیست" و تا زمانی که حاج هاشم زندانی بود، هرگز به زندان نیامد. ایشان قبل از آنکه حاج هاشم آزاد بشود، مرحوم شدند، لذا حاج هاشم و حاج صادق را ندید.

حاج هاشم ابتدا به اعدام، ولی بعد با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شد و تا سال ۱۳۵۶ در زندان بود.

برگرفته از خاطرات حاج احمد قدیر یان





امام خامنه ای با اشاره  
به شهدای چهار گانه مؤتلفه اسلامی:

## شباهت شهادت آنها به شهادت اصحاب امام حسین (ع) بیشتر است

به هر حال، اینها ستارگان و برجستگانی بودند که در راه خدا رفتند، راهی را انتخاب کردند و نتیجه، این شد که مشاهده می کنید؛ یعنی حاکمیت اسلام در دوران سیطره کفر و استکبار بر عالم، چیزی است که به افسانه شبیه است. واقعا اگر ما چنین حادثه‌ای را که در زمان ما اتفاق افتاد - امام بزرگوار ما آمد این قضیه بزرگ و این مسئله باور نکردنی را مطرح و دنبال کرد، یک عده انسان‌های از خود گذشته هم با او همراهی و زحماتش را تحمل کردند و آن قدر ادامه دادند تا این شعله، همه گیر شد

مردم دنیا را متوجه کنید و معجزه الهی در حاکمیت دین خدا را در دنیا مکرر کنید؛ می خواهید شهید گوناگونی را که دارد بر اساس دین، از طراحان متخصص شبهه افکنی به طرف ذهن‌ها پرتاب می شود، رد کنید.

فکر می کنید نمی شود؟! فکر می کنید دشمن، مسلط تر از این حرف‌هاست؟! فکر می کنید در مقابل این جبهه عظیم کفر و نفاق نمی شود ایستاد؟! خدای متعال می گوید نخیر، می شود ایستاد: «ولینصرن الله من ینصره» اگر کسانی پیدا بشوند که خدای متعال و دین خدا را نصرت کنند، لینصرن - لام سوگند، و نون آخر ینصرن هم تاکید است - یعنی قسم که قطعاً این کار خواهد شد.

### نتیجه خون شهیدان

خیلی خوب، یعنی ما هیچ حالت منتظره نداریم، این را یک روز تجربه نکرده بودیم، امروز تجربه هم کرده ایم، راه باز و هدف روشن است و تجربه گذشته ما پیش روی ماست همین حرکتی که با حرکت امام در سال ۴۱ و سال ۴۲ و پانزده خرداد و این مجاهدت‌های گوناگون - از قبیل همین جوان‌های شهیدی که اسم آوردند (۲) و کارهای گوناگونی که بعد از آن انجام گرفته - آغاز شد و بعد به نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام رسید.

### هر کسی سستی کند، به ضرر خودش حرکت کرده

در این بیست سالی هم که گذشته، این ملت تجربه‌های گوناگونی را گذرانده است. این حرکت، حرکت مستمر و دنباله‌داری است و مردمان، مؤمن و انسان‌های پاک نهاد هستند و فطرت‌های پاک، فراوان‌اند برای فداکاری و نصرت الهی و برای پاسخگویی به دعوت الهی حاضرند؛ همین امروز هم هستند، کم هم نیستند، فراوان‌اند. لذا هم هدف روشن است، هم راه روشن است، هم نتیجه قطعی است، شک در این نداشته باشید. هر کسی سستی کند، به ضرر خودش حرکت کرده؛ یعنی خودش را از این کاروان، کنار و از این قطار بیرون انداخته است، خودش جا خواهد ماند. این قطار راه افتاد و خواهد رفت.

راه خدا اتفاق می افتد، پیش خدای متعال فرق دارد. شباهت آن شهادت به شهادت اصحاب امام حسین (ع)، بیشتر است.

به هر حال، اینها ستارگان و برجستگانی بودند که در راه خدا رفتند، راهی را انتخاب کردند و نتیجه، این شد که مشاهده می کنید؛ یعنی حاکمیت اسلام در دوران سیطره کفر و استکبار بر عالم، چیزی است که به افسانه شبیه است. واقعا اگر ما چنین حادثه‌ای را که در زمان ما اتفاق افتاد - امام بزرگوار ما آمد این قضیه بزرگ و این مسئله باور نکردنی را مطرح و دنبال کرد، یک عده انسان‌های از خود گذشته هم با او همراهی و زحماتش را تحمل کردند و آن قدر ادامه دادند تا این شعله، همه گیر شد و ملتی مثل اقبانوسی که بر طوفان بیفتد، به طوفان افتاد و این حرکت عظیم را انجام داد - ندیده بودیم و برای ما نقل می کردند، حتی باور کردنش خیلی سخت بود! اما این چیز باور نکردنی، به قدرت الهی و درست منطبق با سنت‌های آفرینش و همان چیزی که قرآن گفته - همان «ولینصرن الله من ینصره» - در زمان ما اتفاق افتاد.

### دل‌های دچار ریب و سوسه و تزلزل، حاضر نیستند آن را باور کنند

همین وعده الهی که در قرآن هست و خدای متعال که اصدق القائلین است، بر آن تاکید کرده و سوگند خورده و با قطعیت بیان کرده است، دل‌های دچار ریب و سوسه و تزلزل، حاضر نیستند آن را باور کنند. خوب، این اتفاق و این وعده، در زمان ما اتفاق افتاد. فرموده است: «ولینصرن الله من ینصره»، «من کان لله کان الله له»، «الذین جاهدوا فینا لهدینهم سبلنا» همه با لام قسم، بانون تاکید تکیله، با اصرار و با تاکید در قرآن آمده است. الان هم همان قضایا و عین همان مسائل است.

می خواهید پرچم اسلام و حاکمیت اسلامی در دنیا سیطره پیدا بکند - این است دیگر؛ یعنی هدف و آرزوی هر مسلمانی این است - می خواهید بتوانید ظلم مسلط بر عالم را از بین ببرید، می خواهید کاری کنید که قبل از ظهور بقیه الله (ارواح فدا) که شمشیر قاطع و برنده الهی است، زمینه را آماده کنید؛ یعنی دل‌های

متن پیش رو بیانات مقام معظم رهبری در سی و چهارمین سالروز شهادت طلایه داران آفتاب (۱۳۷۸/۳/۲۶) در جمع اعضای مؤتلفه اسلامی ایراد فرمودند.

### بسم الله الرحمن الرحیم

برادران عزیز خیلی کار بجایی کردند که این مناسبت را (۱) مناسب گردهمایی و اجتماع و تجدید خاطرات و تصمیم‌های خودشان در زمینه اجتماع کاری و سیاسی و اسلامی قرار دادند. هر حرکتی که مبتنی بر چنین خاطره‌ها و حوادثی مثل شهادت این عزیزان باشد، مبارک است و برکات الهی بر آن نازل می شود.

### حقیقتا در دوران ظلمات، نور خدا بودند

این شهدای چهار گانه‌ایی که جناب آقای اسکراوادی از این بزرگواران یاد کردند، شاید این تعبیر درباره آنان درست باشد که بگوییم «نور الله فی ظلمات الارض»! حقیقتا در دوران ظلمات، نور خدا بودند که درخشیدند و فضا و دل‌ها را روشن کردند و راه را به خیلی‌ها نشان دادند.

کشته شدن هم گاهی سخت و گاهی سخت‌تر است. وقتی انسان تن به مرگ می دهد، فرق می کند. مثلاً شهدای عزیزی که ما در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی - در جبهه - داشتیم با شور، با حماسه، با افتخار و با حضور کسی مثل امام که در واقع بالای سر آنها بود، مرتب پیام‌ها و دلگرمی‌های امام به این رزمندگان عزیز ما می رسید و آنها را دلگرم و شاداب می کرد. ملت ایران هم پشت سرشان مثل کوهی ایستاده بودند. البته در همین شرایط هم آدم‌های از خود گذشته و شجاع هستند که به استقبال ایثار و مجاهدت فی سبیل الله می روند که باز هم کار هر کسی نیست.

### شباهت آن شهادت به شهادت اصحاب امام حسین (ع)، بیشتر است

شهدا شجاع‌ترین و برترین انسان‌ها هستند؛ اما این شهادت با آن شهادتی که در انزوا، در عزلت، در حالت رعب، در حالت تنهایی و فشار و هجوم و سوسه‌های دشمن و انواع و اقسام موانع و روادع

خدا کند که عاقبت ما و شما هم مثل همان رفیق هایمان باشد خدا را شکر می کنیم که شما دوستان قدیمی و عزیز را مجدداً زیارت کردیم. ما جوانی هایمان را با هم گذرانیدیم؛ حالا هم همگی به پیری رسیده ایم. الحمدلله بعضی از ما زودتر و بهتر از ما رفتند و شهید شدند شهید اسلامی، شهید درخشان، شهید لاجوردی و شهید عراقی و خیلی از دوستانی که همیشه با هم بودیم - در آن جلسات، در آن گفتگوها - رفتند؛ آن کاروان همین طور ادامه پیدا کرده و این خون ها هم موتور آن را تندتر و تیزتر کرده است. بحمدالله عده ای هم زنده هستید و مرزوق و موفق و مشمول الطاف الهی. خدا کند که عاقبت ما و شما هم مثل همان رفیق هایمان باشد.

### جوان هایمان هم حالا وسط میدان آمده اند

جوان هایمان هم حالا وسط میدان آمده اند، باز هم مؤمن، با اخلاص و با صفا هستند و بدانید - به خصوص جوان ها بدانند - صرفه حقیقی در راه خداست. سود و برد حقیقی در پیمودن راه خداست، آن هم با مجاهدت، هر چه مجاهدت بیشتر و سخت تر، هر چه دستاوردهای مادی کمتر و از هیاهو و خودنمایی دور تر باشد، سودش بیشتر است.

آن کسانی که خیال می کنند سهم آنها به این است که یک وزنه مادی را در کفه خودشان بیاندازند، در خطا و اشتباه هستند؛ اشتباه می کنند. در واقع، کفه را سبک می کنند. این کفه، این میزان، این موازنه و معامله و این سودا، از آن سوداهایی است که هر چه در آن جنبه مادی، مغفول عنه تر باشد و «خود» - آن من شخص - در آن کمتر محسوس باشد و «خدا» جای «خود» ها باشد، سود بیشتری است.

این جوان هایی که سال ۴۳ شهید شدند - الان سی و پنج سال است که شهید شده اند - آنها بعد از سی و پنج سال، زنده اند؛ مثل اینکه همین دیروز بودند، خاطره هایشان نقل می شود، ذکر می شود و در بین ما حضور دارند. اینها همان کسانی هستند که راز و لم کارشان در این است که از خودشان صرف نظر کردند. خدا آنها را ماندگار کرد؛ کما اینکه کار امام ما هم همین بود.

### امام در همه مراحل، احساس کرد که تکلیفش چیست

امام در قدم اول، خودش را کنار گذاشت. او در حوزه علمیه، یک ملا، یک مدرس و یک مجتهد معروف، با این همه شاگرد بود. راه زندگی این نبود که او انتخاب کرد؛ همه اش دعا، همه اش جنگ! نه درس و نه بحث و نه علی الظاهر شاگرد؛ همه اش صرف وقت به چیزهایی که معمولاً علما حاضر نیستند به این چیزها صرف وقت بکنند. از اول خودش را کنار گذاشت؛ در همه مراحل، احساس



کرد که تکلیفش چیست. من یک وقت از امام پرسیدم که شما از چه زمانی به فکر تشکیل حکومت اسلامی افتادید. چون از سال ۴۱ که امام شروع کرد، اسم حکومت اسلامی مطرح نبود؛ بحث مواد ششگانه و دعوای فصلی و موسمی بود - ایشان تأمل کردند و گفتند درست یادم نیست که از چه زمانی بوده؛ اما همین را می دانم هر وقت هر چه را که احساس کردم تکلیف است، عمل کردم.

### سر موفقیت امام

سر موفقیت امام، این است؛ هر وقت هر چه را احساس کرد که تکلیف است و می تواند بی محابا انجام داد. البته ایشان ذهن باز و فکر بزرگ و روح عظیمی داشت؛ میدان های بازی را که دیگران نمی دیدند، او می دید. دیگران خیال می کردند نمی توانند بپزند، او می دید که می تواند بپزد، این هم کمک و دستگیری الهی در حق او بود؛ به تکلیف عمل کرد. تکلیف عمل کردن، این جوری است. هر وقت هر چه احساس کردید تکلیف الهی است، باید آن را عمل کنید؛ خدای متعال دست ما را می گیرد و می برد، «هدنا الصراط المستقیم».

### اگر این جور حرکت بکنیم، خطا نمی کنیم

این راه پرپیچ و خم - راه خدا - انشعابات خیلی زیادی دارد. بعضی

از این انشعابات، انشعابات کوچک است، انسان از جاده بیرون می رود باز به جاده برمی گردد، خیلی ضرر و خطری ندارد. بعضی هم نه، انشعابات خطرناک است؛ می رود که می رود! اولش یک زاویه کوچک است، بعد ناگهان می بینید که صد و هشتاد درجه از آن طرف ها دور زده است. خیلی ها در دین تلاش می کنند برای اینکه - به خیال خودشان - با ذهن خودشان راه را پیدا بکنند؛ در این کوچه پس کوچه ها گم می شوند؛ اما وقتی که دین خدا حاکم و شاخص بود و این تابلوها را گذاشتند - این جا دست چپ بپیچید، این جا دست راست بپیچید - وقتی این جوری حرکت کردید، یک وقتی می بینید به مقصد رسیدید. مقصد همان است که از این میانه، با این شاخص ها طی می شود. اگر این جور حرکت بکنیم، خطا نمی کنیم - و اگر خطا هم بکنیم، خطای ما معذور است - هم رسیدن به هدف، قطعی است - هم رسیدن به هدف، قطعی است. اگر وسط راه هم انسان بمیرد، به هدف رسیده، اگر به هدف هم برسد، رسیده و خدای متعال راز خودش را راضی کرده است. ان شاءالله خدای متعال همه شما موفق و مؤید بدارد و کمک کند که بتوانید موقعیت ها و تکلیف شرعی را درست بشناسید و آنچه را که موجب رضای خداست، انجام بدهید و برای همه مسلمان ها، همه مؤمنین و همه کسانی که دارند در این راه حرکت می کنند، دعا کنید که خداوند همه را ان شاءالله دستگیری و هدایت کند و لطف حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) را شامل حال ما قرار بدهد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

### پاورقی:

۱ - سالروز شهادت ۴ شهید مؤتلفه اسلامی (بخارایی، امانی، صفار هرنندی و نیک نژاد) - ۲ - امانی و بخارایی، صفار هرنندی و نیک نژاد

شهادت شجاع ترین و برترین انسان ها هستند؛ اما این شهادت یا آن شهادتی که در انزوا، در عزلت، در حالت رعب، در حالت تهایی و فشار و هجوم و سوسه های دشمن و انواع و اقسام موانع و روادع راه خدا اتفاق می افتد، پیش خدای متعال فرق دارد. شهادت آن شهادت است که شهادت اصحاب امام حسین (ع)، بیشتر است



# مروری بر عروج شهدای موتلفه

فاطمه حسینی

راه نجات ایران انتخاب کردند.

## حسنعلی منصور؛ دست پرورده‌ی آمریکا

اسفند ماه سال ۱۳۴۲ اسدالله علم از نخست وزیری برکنار شد و حسنعلی منصور به جای او نشست، او دولت خود را در ۱۸ اسفندماه به مجلس معرفی کرد و از فروردین همان سال به اجرای برنامه های خود پرداخت، منصور رابطه ی بسیار خوبی با آمریکا داشت به گونه ای که در گروهی طرفدار آمریکا به نام "کانون مترقی" عضو بود، منصور بخاطر خوشامد آمریکایی ها تمام تلاش خود را به کار گرفت تا طرحی موسوم به "مصونیت مستشاران آمریکایی" یا همان کاپیتولاسیون را به تصویب برساند، طرح کاپیتولاسیون طرحی نوین، برای نفوذ بیش از پیش آمریکا و ابایش در ایران بود، مجلس سنا پس از چند ماه لایحه این طرح را تصویب و آن را به مجلس شورای ملی ارائه کرد.

## زمینه های اعدام انقلابی منصور

خبر تصویب این لایحه ذلت بار، روحانیت و اقشار مختلف مردم را به خشم آورد و امام خمینی در ۴ آبان ۱۳۴۳ در سخنرانی این عمل را محکوم کرد، بخشی از سخنرانی امام به این شرح است: "من با تأثرات قلبی روز شماری می کنم، چه وقت مرگ پیش بیاید (گریه شدید حضار)، ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کردند، عزا کردند و چراغانی کردند، عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند، ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، با هم چراغانی کردند... قانونی به مجلس بردند که در آن اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین و ثانیاً الحاق کردند به آن که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده هایشان با کارمندان فنی شان، با کارمندان اداری شان، با خدمه شان و با هر کس که به آنها بستگی دارد از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند. اگر یک خادم آمریکایی، یا یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پای خود منکوب کند پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! و..." سخنرانی های امام موج اعتراضات را علیه رژیم برانگیخت، همین سخنرانی باعث تبعید امام در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه شد. پس از تبعید امام، گروهی از شاگردان ایشان در هیات های مؤتلفه تصمیم به مبارزه مسلحانه گرفتند اعضای این گروه، عموماً افرادی بودند که اسلام و ترویج اسلام راستین، بزرگ ترین دغدغه آنها بود، به همین دلیل آشنایی کاملی با آموزه های اسلامی داشتند. مؤتلفه اسلامی می کوشید با ترویج و اجرای صحیح اسلام، در میان تمامی اقشار جامعه، مانع بروز فساد و بی اخلاقی در متن جامعه شود. به همین دلیل و با توجه به کارساز نبودن اعتراضات مدنی در مقابل اقدامات ضد دینی و ملی رژیم پهلوی، اعضای این گروه عملیات مسلحانه را به عنوان آخرین

## فتوای قتل منصور را چه کسی صادر کرد؟

اعضای «شورای روحانیت» جمعیت مؤتلفه هم رضایت خود را از این کار ابراز کردند. شهید مطهری عضو شورای روحانیت مؤتلفه اسلامی در یکی از جلسات شورای مرکزی اعلام کرده بود "باید چند تن از سران رژیم را به خاک افکند". همچنین فتوای اعدام انقلابی حسنعلی منصور توسط آیت الله سید محمد هادی میلانی از مراجع تقلید ساکن در مشهد صادر شد و ایشان حکم مهدور الدم بودن شاه و منصور که خاتنان به اسلام و ایران بودند را صادر کرد. با این فتوا عملیات مسلحانه گروه مؤتلفه به صورت رسمی شکل گرفت و این گروه در اولین اقدام خود اعدام انقلابی منصور را به عنوان مسبب تصویب لایحه کاپیتولاسیون در دستور کار خود قرار داد.

## چرا نام عملیات را بدر گذاشتند؟

آنها برنامه اعدام انقلابی منصور را در روز اول بهمن طراحی کردند، علت این انتخاب به خاطر مصادف بودن آن با ۱۷ رمضان و روز جنگ بدر بود به همین علت طرحشان را طرح «بدر» نام گذاری کردند. این عملیات توسط چهار جوان مذهبی و تحصیل کرده به نام های صادق امانی، محمد بخارایی، مرتضی نیک نژاد و رضا صفار هرنندی با رهبری محمد بخارایی شکل گرفت.

## اجرای حکم الهی منصور چگونه انجام شد؟

ساعت ۱۰ صبح ۱ بهمن ۱۳۴۳ اتومبیل منصور در مقابل در مجلس توقف کرد، زمانی که او از اتومبیل پیاده شد تا وارد ساختمان شود، شلیک سه گلوله او را نقش بر زمین کرد. در آن روز منصور قصد داشت برای تقدیم لایحه دریافت قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران با چند شرکت اروپایی و آمریکایی، وارد مجلس شود که بخارایی با شلیک چند گلوله به شکم و حنجره منصور او را از پای درآورد، منصور پس از شلیک گلوله ها بلافاصله به بیمارستان پارس منتقل شد و از پزشکان آمریکایی و فرانسوی و انگلیسی برای درمان او کمک خواستند اما این اقدامات نتیجه ای نداد و منصور در ۶ بهمن ۱۳۴۳ به هلاکت رسید.

طبق اسناد موجود، در روز عملیات، هر چهار نفر (بخارایی، امانی، نیک نژاد و صفار هرنندی) مسلح بودند و قرار بر این بود که هر کدام در موقعیت بهتری قرار داشتند، اعدام انقلابی را انجام دهد، برنامه ریزی به این صورت بود که بخارایی از جلوی مدرسه سپهسالار (مطهری کنونی) تا جلوی مجلس قدم بزند جوانی آراسته که به تعبیر یکی از مقامات امنیتی یک در صد هم نمی شد

احتمال داد که چنین جوان آراسته زیبا، خوش برخورد و خوش رفتاری چنین کاری را انجام دهد در یک گوشه میدان بهارستان مرتضی نیک نژاد مسلح ایستاده و در گوشه دیگر صفار هرندی و صادق امانی هم در یک تاکسی نشسته اند از تعدادی از تیم های دیگر خواسته شده بود که مراقب میدان باشند تا اگر اتفاقی افتاد بتوانند صحنه را عوض کنند اما تیم عمل کننده همین چهار نفر بودند. شهید عراقی هم در جایی دیگر مراقب اوضاع بود اما در خود میدان حضور نداشت. ماشین حسنعلی منصور به موقع آمد و روی پل مجلس توقف کرد نصیری و مبصر روسای ساواک و شهربانی هم پشت سر او در دو ماشین دیگر می آیند اما اوضاع را خیلی آرام می بینند و جلوتر می ایستند زمانی که حسنعلی منصور از ماشین پیاده می شود بخارایی به او نزدیک شده نامه ای را به منصور می دهد او هم نامه را می گیرد و شهید بخارایی به سرعت اسلحه را از زیر لباس خود در آورده و شلیک می کند ابتدا تیر را به شکم منصور می زند و وقتی و افتاد دومین تیر را به حنجره اش می زند و فرار می کند، از پیاده رو به سمت مدرسه سپهسالار می دود چند نفر به طرف او حرکت می کنند ولی با چند گلوله ای که مرتضی نیک نژاد و صفار هرندی از دو طرف میدان شلیک می کنند و ماشین را هدف قرار می دهند محافظان چند لحظه مردد می شوند و تصمیم می گیرند به سراغ آن دو نفر بروند اما یکی از راننده ها می گوید ضارب همین بود و آنها تا جلوی مدرسه سپهسالار بخارایی را تعقیب می کنند آنجا روی یخبندان پای بخارایی سر می خورد و به زمین می افتد و ماموران او را می گیرند در بازجویی کارت آموزشی شگاهی را از جیب او پیدا می کنند که این هم از اشتباهات گروه بود با استفاده از این کارت خانه و دوستان وی را پیدا می کنند. سپس یک دادگاه فرمایشی تشکیل داده برای آنها و افرادی که به صورت غیر مستقیم در این ترور نقش داشته اند حکم صادر می شود، احکام هر کدام از این افراد به این شرح صادر شد: محمد بخارایی (اعدام)، مرتضی نیک نژاد (اعدام)، رضا صفار هرندی (اعدام)، صادق امانی (اعدام)، مهدی عراقی (حبس ابد)، حبیب... عسکروالادی (حبس ابد). در این دادگاه فرمایشی، سیدعلی اندرزگو، به طور غیابی، به اعدام محکوم می شود.

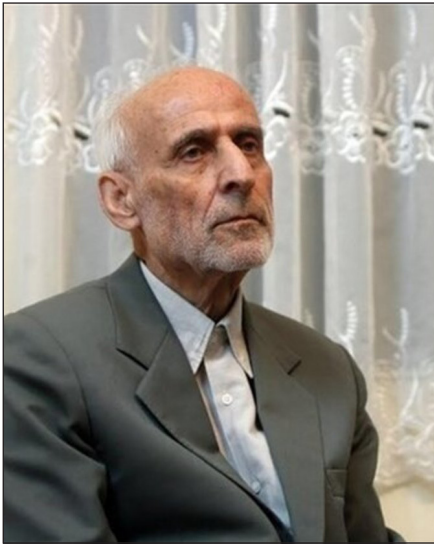
## ۲۶ خرداد؛ پایان کار فرزندان موتلفه

سرانجام ۴ نفری که در ترور منصور دست داشتند (بخارایی، نیک نژاد، صفار هرنندی، صادق امانی) در سحرگاه ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ در میدان تیر پادگان حشمیه تیرباران و به شهادت می رسند و برخی دیگر از جمله شهید حاج مهدی عراقی و حبیب الله عسکروالادی به حبس طولی المدت محکوم می شوند. سیدعلی اندرزگو هم که متواری بود در دوم شهریور ۱۳۵۷ در یک درگیری مسلحانه با نیروهای ساواک در تهران به شهادت می رسد.



# روحیات محکومان به اعدام قبل از اجرای حکم

مرحوم حاج هاشم امانی



برای اعدام آماده کرده‌اند و از آن‌ها تقاضا کرد که همه را به اطاق قرنطینه ببرند تا بتوانیم در آخرین لحظات با همدیگر بوده و با هم خداحافظی کنیم و آن‌ها هم قبول کردند و بعد از خداحافظی مأمورینی که سیاه هم بودند و به آن‌ها دستبند زده و برای اجرای حکم به لشکر ۲ زرهی بردند و تیرباران‌شان کردند.

فردای آن روز مأموری که شاهد اجرای تیرباران بود با حالت گریه می‌گفت که این چه نانی است که ما می‌خوریم و از اینکه افرادی پاک، جوان و مقدس را تیرباران کرده بودند احساس تأسف می‌کرد بعد از تیرباران اجساد آن‌ها را برای دفن به مسگرآباد که مکانی دور افتاده بود بردند، وقتی مردم از قضیه مطلع شدند جمعیت خیلی زیادی به آنجا رفته بود که با ممانعت مأموران مواجه شدند. بعد از آزادی از زندان به همراه دیگر رفقا در بحیوچه انقلاب آن‌ها را نیش قبر کردیم و در مسجد ماشالله که در ابن بابویه واقع است به خاک سپردیم.

بعد از خداحافظی در اطاق قرنطینه حاج صادق در حضور مأموران درباره انگیزه این کار کمی صحبت کرد و اینکه انگیزه‌های ما الهی و خدایی بود و برای خدمت به اسلام و احیای احکام اسلامی و موقعیت مسلمانان اقدام به چنین کاری کرده‌ایم از کاری که کرده پشیمان نیستیم و هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای نداریم البته حاج صادق نه از طرف خودش بلکه از طرف این چند تا برادر و به نمایندگی از آن‌ها صحبت کرد.

هنگام رفتن هیچ‌گونه خشم یا تشویش و اضطرابی در قیافه این چهار نفر نبود و صلابت آرامش و اطمینان و نهایت رضایت در

شب قبل از اعدام هنگامی که مسئولان زندان قصد داشتند بچه‌ها را برای اجرای حکم ببرند بر حسب دیدگاهی که در نظرشان بود و اینکه تصور می‌کردند در این موقع ممکن است متهمان مقاومت بکنند و در زندان تشنجاتی پیش بیاید زندانبان کسی را که محکوم به اعدام بود همراه چند نفر دیگر صدامی زد؛ به این عنوان که در دفتر کارتان دارند و در نهایت آن محکوم را نگه داشته و بقیه را باز می‌گرداند و به همین ترتیب این کار را تکرار می‌کردند. ما منظورشان را از این کار فهمیده بودیم، بنابراین آقای عراقی با رئیس دایره زندان صحبت کرد که منظورتان را از این کار می‌دانیم شما هیچ ترس و واهمه‌ای نداشته باشید برادرانمان خودشان را



چهره‌های آن‌ها خوانده می‌شد و احساس می‌کردند بار امانت و تکلیف الهی را به سلامت به سر منزل مقصود رسانده‌اند. لحظات آخر با سکوت گذشت و نگاه‌هایی ردوبدل شد و آنچه گفتنی بود در این نگاه‌ها گفته و فهمیده شد که چه بار سنگینی از تکلیف بر دوش مابقی است.

بر گرفته از: خاطرات مرحوم حاج هاشم امانی

## ماجرای حذف صفحه سوم اساسنامه موقوفه

مرحوم سیدمصطفی حائری زاده



اساسنامه موقوفه یک نسخه داشت و آن هم در منزل مانگهداری می‌شد آن شب همان یک نسخه را به اتفاق آقایان توکلی و شفیق پیش رو گذاشتیم تا ببینیم چه کاری می‌توانیم انجام دهیم، اساسنامه در سه صفحه تنظیم شده بود اما خوشبختانه مطالبی که می‌توانست حساسیت دستگاه را برانگیزد در صفحه سوم جا داشت و ما توانستیم آن صفحه را به طریقی جدا کنیم به طوری که قابل تشخیص نبود و به نظر می‌رسید مطالب صفحه دوم به پایان رسیده است آقای توکلی و شفیق هم آن دو صفحه را بردند و تحویل دادند.

بر گرفته از: خاطرات

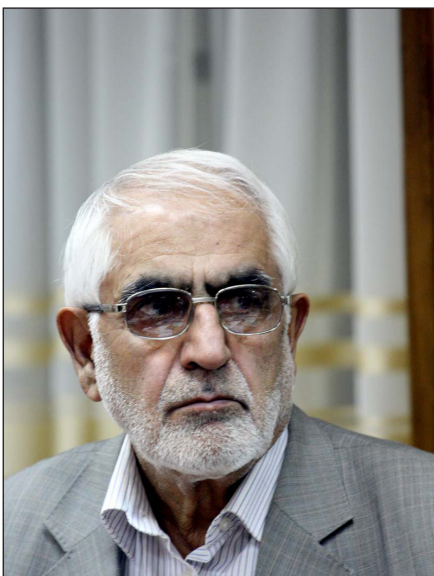
مرحوم سید مصطفی حائری زاده

که هر کدام بعداً به حبس یا اعدام محکوم گردیدند. دو سه شب از این جریان گذشته بود که شبی آقای توکلی و آقای شفیق با من تماس گرفتند و گفتند دستگاه خود اساسنامه موقوفه را می‌خواهد.

مقارن با دستگیری حاج صادق امانی برادران زیادی در ارتباط با ایشان دستگیر شدند. آقای رفیعی را که مرحوم حاج هاشم امانی در منزلشان مخفی شده بود، گرفتند. صفار هرندی و نیک نژاد هم دستگیر شدند. آقای عراقی هم در حوالی منزل خودشان دستگیر شد. در تفتیش منزل ایشان دفترچه تلفن آن مرحوم را پیدا کردند و از طریق آن حاج احمد شهاب، آقای عسگر اولادی و آقای سید ساجدالدین تقریبی شوهر همشیره‌شان را گرفتند، حاج آقا سعید امانی، حاج آقا ابوالفضل حیدری، تقی کلانچی، آقای ایپکچی، عباس مدرسی زاده، آقای انواری، مرحوم اندرزگو برادر خوب ما حاج غلام علی یزدی خواه و بسیاری دیگر هم دستگیر شدند، همه این‌ها به اتهام شرکت در قتل منصور بازداشت شده بودند

## تلاش برای آزادی شهدای موقوفه

جواد مقصودی\*



اسلام و دموکراسی است» ایشان فرمودند: «شما بروید قم و از علمای قم نامه بگیرید» من هم به قم رفتم ولی نتوانستم از آقای شریعتمداری و سایر مراجع نامه بگیرم تا مانع شهادت آن‌ها شوم؛ بنابراین نزد آقای غروی کاشانی در سه راه سیروس رفتم ایشان که از بزرگان مراجع و مبارزان بود گفت: حاضر به جای صادق امانی اعدامم نکنند» گفتم: «من آمدمم ابرو و رادرست کنم نیامدم که چشمم را هم کور کنم بالاخره شما هم یک مرجع هستید» ایشان گفت: «حرف من تأثیری ندارد» حق با وی بود حرف‌هایشان در حد سایر مراجع اثر نداشت سرانجام رژیم این چهار بزرگوار را به شهادت رساند.

\*بر گرفته از: خاطرات جواد مقصودی

پس از آنکه شاخه نظامی موقوفه یعنی شهیدامانی، بخارایی، نیک‌نژاد و هرندی منصور را اعدام انقلابی کردند و حکم اعدام این عزیزان صادر شد. خدمت آیت‌الله میلانی رفتم ایشان فرمودند: «من از این حضرات حمایت می‌کنم؛ زیرا در بین مقامات لشکری و کشوری نفوذ دارم» به ایشان عرض کردم «صادق امانی را هم می‌خواهند شهید کنند، ایشان یک فرد برجسته هستند از طرفی وی که منصور را ترور نکردند فقط کسی که این کار را انجام داده باید کشته شود آن سه نفر دیگر چرا باید اعدام شوند شما اعتراض کنید اطلاعیه بدهید که این کار خلاف

## فرزند شهید حاج صادق امانی مطرح کرد: شهدای مؤتلفه اسلامی؛ اولین شهیدان جهاد تبیین

### این روزهایی شباهت به روزهای مبارزه نیست

این فعال سیاسی ضمن بیان خاطرات مقاومت و پایداری یاران نهضت حضرت امام تأکید کرد: این روزها هم بی شباهت به روزهای مبارزه نیست و گاهی عده‌ای عنوان می‌کنند که خمینی چه کاری می‌تواند از پیش ببرد و شبهاتی مطرح می‌کردند امروز مسئله برای ما ساده شده است و فراموش کرده‌ایم چه بودیم و کجا بودیم و چه کرده‌ایم، یعنی چند نفر مؤمن پای کار امام و انقلاب و ایده‌های ایشان ایستادند و اکنون به گونه‌ای شده که تمام دنیا از همت، قدرت و دانش و توان آن‌ها لرزه بر اندامشان افتاده است تا حرکت این نهضت را مقصداری کند کنند که به‌اذن خداوند برای حفظ عظمت انقلاب، حجت برای حق بودن انقلاب اسلامی بیش از پیش روشن می‌شود.

امانی رسیدن به یقین نسبت به ناباوران پدیده‌های انقلاب اسلامی را دستور مردان مؤمنی بر شمرده که با عده قلیل و با یقین به دیدار پروردگار پا در مسیر مبارزه و حفظ انقلاب گذاشتند.

### اساس نهضت‌های الهی تبیین است

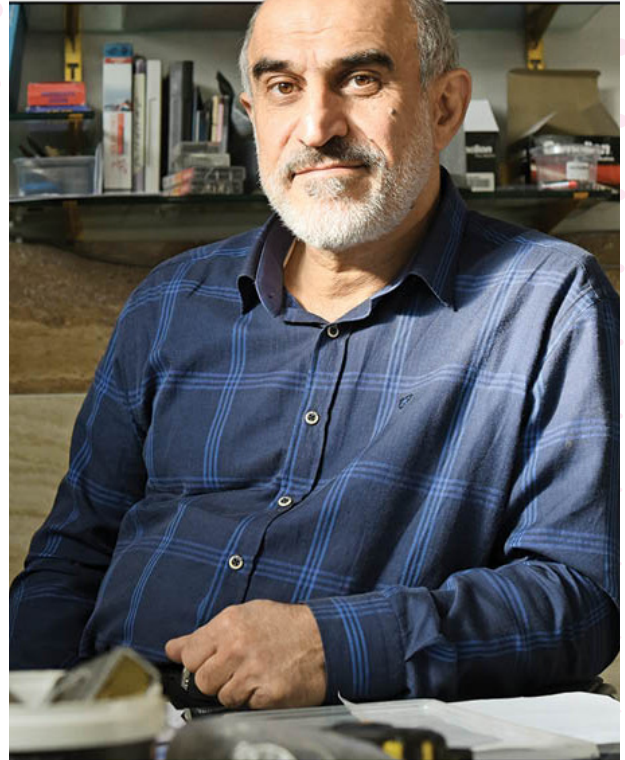
وی به این سؤال که آیا می‌توان شهدای مؤتلفه اسلامی را در زمره پیش‌قرولان جهاد تبیین به حساب آورد، پاسخ داد: اساس نهضت‌های الهی تبیین است آن‌ها هرگز برای حقانیت خود را به مردم تحمیل نکردند. پیام‌آوران نهضت‌های الهی مکلف به رشد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع بودند تا جایی که حقایق بر آن‌ها روشن شود و هیچ بعثتی جز برای تبیین حقایق نبوده است و درست است که حضرت امام خامنه‌ای این حقایق را گاه‌گاهی گوشزد می‌کنند و این مسیری است که از ابتدای بشریت آغاز شده و خوشبختانه خدا عنایتش به این شهدا بیشتر بود و آن‌ها در این ظلماتی که کسی جرئت نفس کشیدن نداشت تا به تبیین حقایق برای این نسل و نسل‌های آینده پیردازند دست به کار شدند.

### مقاومت کنید حتما موفق و پیروز می‌شوید

فرزند شهید حاج صادق امانی ادامه داد: در پیامی که از شهید محمد بخارایی و سایر این شهدا به یادگار مانده جهاد در آن دوران توسط این شهدا آغاز شد و آن‌ها در راستای فرمایش امام خامنه‌ای که امروز آن را با عنوان جهاد تبیین ذکر می‌کنند فعالیت نمودند و از این طریق به نسل خود و نسل‌های آینده فهماندند که اگر مقاومت کنید حتما موفق و پیروز می‌شوید و تاریخ نیز این حقیقت را نشان داد که این تفکر به جایی رسیده که برای همه دنیا روشن شده است.

### پاسخ به یکی از خبرگزاری‌های چین

امانی در خصوص اهمیت حرکت شهدای مؤتلفه در نظر دنیا به مصاحبه خود با یکی از خبرگزاری‌های چین اشاره کرد و گفت: خبرنگار چینی از من در خصوص حرکت شهید امانی و یارانشان پرسید و این سؤال را مطرح کرد که اصلا چرا باید این شهدا دست به چنین اقدامی بزنند؟ پاسخ دادم آن روز امام و این تعداد اندک از یارانشان بودند اما در نتیجه مجاهدت این شهدا، امروز حضرت امام خامنه‌ای حتی در آمریکا و سایر کشورها هزاران مقلد دارند و به تبیین شرح تقلید و مقلد و پرداخت خمس اقدام کردم و از آن‌ها پرسیدم اکنون فکر مقاومت که در حال مدیریت یک نهضت علیه استکبار است در چین و در جهان تا چه میزان رسوخ یافته، وی افزود: این خبرنگار در پاسخ گفت من فکر می‌کنم ما در چین به خاطر اقتصاد نتوانستیم چندان با استکبار مبارزه کنیم اما من گفتم منای همه چیز برای ما برخلاف دنیا اخلاق است و چون اقتصاد من نیست فکر می‌کنیم وظایفمان مهم‌تر از هر چیزی است و اگر روزی به اقتصادمان لطماتی بخورد مقاومت می‌کنیم تا بتوانیم وظایف خود را نسبت به خدا و بشریت انجام دهیم و می‌بینید این نهضت از صفر شروع شده و امروز در کل جهان شناخته شده است و در تاریخ بشریت جز نهضت انبیاء نمی‌توانید نهضتی را بیابید که بدون سرمایه اقتصادی بالا و اینکه دنیا از آن حمایت نمی‌کند بلکه در صدد سرکوب آن نیز هست، توانسته دنیا را تسخیر کند.



قاسم امانی فرزند شهید حاج صادق امانی هم‌زمان با سالگرد شهادت شهدای مؤتلفه اسلامی گفت: با نگاهی به نهضت‌های قرآنی نظیر نهضت حضرت موسی درمی‌یابیم کلیه ویژگی‌های این نهضت‌ها در نهضت امام خمینی جمع شده است، در روایتی قرآنی در خصوص مردان بنی اسرائیل که برای مقابله با جالوت به خدمت پیامبر زمانشان رسیده و کسب تکلیف کردند پیامبر مطابق فرمان خدا طلوت را انتخاب می‌کند و در جریان مبارزه عده‌ای با بهانه جویی با انگیزه‌های غیر خالصانه از نبرد کناره‌گیری می‌کنند خداوند از افراد باقی‌مانده در نبرد امتحانات سختی به عمل می‌آورد.

### یکی از معجزات انقلاب اسلامی

وی با اشاره به امتحان سپاه طلوت از طریق تشنگی و آب که در آیه ۲۴۹ سوره بقره آمده است، افزود: عده زیادی با توجیه نادرست از فرمان رسول خدا سرپیچی می‌کنند همچنین حضرت طلوت در هنگامه جنگ یاران خود را به‌اذن خداوند آزمایش می‌کند قرآن این گونه می‌فرماید لا طاقه لنا الیوم بجالوت و جنوده؛ قرآن می‌فرماید عده کمی بودند که به لقاء الهی رسیده بودند کم من فئته قلیله غلبت فئته کثیره یادن الله و الله مع الصابرين، این عده کم که لقاء خدا را دیدند پای کار ایستادند و لشکر عظیم جالوت را سرنگون کرد.

فرزند شهید امانی خاطر نشان کرد: نهضت امام خمینی بی شباهت به این نهضت قرآنی نیست؛ هنگامی که حضرت امام را دستگیر کردند عده‌ای مبارزه را مشت بر سندان کوبیدن تلقی کردند در این میان عده‌اندکی جمع شدند و به انجام تکلیف و وظیفه پرداختند، یکی از معجزات انقلاب اسلامی این بود که این عده قلیل تا نهایت کار ماندند و تزلزلی در راهشان نبود و از لطف ویژه خداوند به آن‌ها این بود که همواره به دنبال انجام وظیفه بودند و هرگز به دنبال سهم خواهی نبوده و گاهی محل سرکوب و تهمت و توهین قرار گرفتند ولی هرگز از پای رکاب نهضت هرگز عقب‌نشینی نکردند.

# بازوان امام

و در نهایت حرکت موفق تأسیس نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی.



## مرحوم دعایی

مرحوم آقای حاج آقا حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان، از پیشکسوتان نهضت موفق و پیروز در مسیر حضرت امام بودند. حرکت امام با همراهی مراجع وقت قم بود، مراجع وقت مشهد بود و همراهی علما و شخصیت‌های ارجمند روحانی استان‌های مختلف بود که سرانجام به حرکت ۱۵ خرداد انجامید. سخنرانی آتشین حضرت امام در ۱۵ خرداد و سخنرانی حضرت امام در روز عاشورا و حرکت بعدش که به دستگیری حضرت امام انجامید و شورش بود که به عنوان اعتراض به این حرکت رژیم در تهران، قم، ورامین و بسیاری از جاهای دیگر اتفاق افتاد.

حرکت امام بازوانی داشت، یعنی مرحوم امام بازوانی داشتند و یارانی داشتند که این یاران، برای هر چه موفق‌تر برگزار شدن اعتراضات و قیام، این یاران از هیچ فداکاری‌ای دریغ نکردند؛ کوتاهی نکردند. خب، حرکت امام در ابتدای امر به بازداشت ایشان انجامید، بعدش به حصر ایشان و بعد از آزادی‌شان، موقتا تا بعد از تبعیدشان حرکت‌هایی صورت می‌گرفت که به صورت سازمان یافته و منظم نهضت را همراهی می‌کردند در حقیقت همان نهضت روحانیت را، همان قیام برای رفع ستم

یاران حضرت امام در آن حرکت‌های موفق ابتدایی، مرحوم حاج مهدی عراقی بود، اخوان امانی بودند و مرحوم آقای عسکراولادی بودند و طیف جوانی که در مسیر آن‌ها حرکت می‌کردند. مرحوم بخارائی، مرحوم صفار هرنندی، مرحوم نیک‌نژاد و دوستانی که در این مسیر حرکت کردند. بعد از دستگیری حضرت امام و تبعید ایشان به خارج از کشور و عدم دسترسی به ایشان، با رأی‌زنی و مشورت مراجع دیگری از پیشگامان نهضت روحانیت اجازه انتقام از عامل اصلی افول نهضت در حقیقت و دستگیری حضرت امام را گرفتند و بنای بر یک حرکت نوین انتقام‌جویانه داشتند که به ترور منصور نخست‌وزیر وقت انجامید.

علی‌رغم دقتی که در سازمان‌دهی امر داشتند و موفقیتی که در پیش‌برد کارشان داشتند، طیفاً ابتدایی تصمیم‌گیری در این مسیر، دستگیر شدن در مسیر دستگیری آن تقریباً هسته‌های اولیه تشکیل دهنده این جریان، بازداشت شدن، محاکمه شدن و ابتدا شش نفر از آن‌ها محکوم به اعدام شدند که در حکم بعدی چهار نفر را اعدام کردند و بقیه را به حبس طولانی و درازمدت و حتی ابد محکوم کردند. یکی از کسانی که در این مسیر نقش داشت و نقش تعیین‌کننده داشت و مؤثر بود، مرحوم آقای عسکراولادی بود و ایشان محکوم شدند به زندان طولیل‌المدت ظاهر ابد محکوم

## پاسخ خیلی جالب

در جریان دادگاه نظامی که برای مسببین این ترور تشکیل شده بود، ضارب پاسخ خیلی جالبی را در دادگاه به بازجویی داده بود. از سؤال سؤال شده بود که: شما این حرکتی که انجام دادید، از نظر شرعی مجوزی داشتید؟ گفت: بله؛ مجوز داشتیم! مرحوم بخارائی پاسخ داده بود. گفت: مجوزت چه بود؟ گفت: مجوزم آن فرمانی که امام داد گفت که خدا بداند، ملت بداند این‌ها خیانت کردند! و سزای خیانت، گلوله است! شما پیشوای من را، نایب امام زمان من را، مرجع تقلید من را تبعید کردید من هم مسبب این امر را از این دنیا تبعید کردم! او را به سزای عمل ننگینش رساندم. با این شهامت و با این صراحت و صداقت از خودشان دفاع کردند. هر چند به شهادت آن‌ها انجامید، ولی شعله‌ای شد که نورافشانی کرد در مسیر راه‌یابی کسانی که برای نهضت و پشتیبانی از امام و رهبری و از نهضت حرکت کرده بودند.

\* بخشی از مصاحبه دفتر حفظ و نشر آثار استاد عسکراولادی با مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید محمود دعائی

# بن بست شکنی شهدای موفله اسلامی

اولیاء خدا می‌کردند. آنان یک نهضت مردمی به راه می‌انداختند و جلودار حرکت‌های بزرگ مردمی می‌شدند و با حضور کامل آنان می‌شد یک کار اساسی کرد ولی این گروه نگفته بودند ما می‌خواهیم کار اساسی بکنیم این‌ها فقط می‌خواستند شرایط را تغییر بدهند و این کار در تغییر شرایط مؤثر بود به گونه‌ای که در کار شاه که می‌خواست چهارنعل به سمت وابسته کردن کشور به غرب و به امریکا پیش برود وقفه‌ای حاصل شد و مرحله بعد را با احتیاط عمل کرد البته بعدها بسیار بیشتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد کشور را زیر دست و پای امریکا انداخت.

داشت ممکن است در تحلیل و ارزیابی نهایی بگویم ترور که نمی‌توانست حلال مشکل باشد بله با ترور نمی‌شود به صورت مبنایی وضعیت را تغییر داد اما به نظرم برای کسی که دارد مبارزه می‌کند می‌تواند به عنوان یک کاتالیزور و تسهیل‌کننده عمل کند و راه‌حلی باشد. اما حالا اگر همین رادر قیاس با نگاهی که حضرت امام داشتند ببینیم حضرت امام ترور را تجویز نمی‌کردند شاید موافقت نکرده بودند ظاهراً گفته بودند الان وقتش نیست ما دقیقاً نمی‌دانیم نظر ایشان چه بوده نظر امام این بود که اگر بخوایم کار اساسی بکنیم باید نظیر کاری را بکنیم که انبیاء و

## محمدحسین صفار هرنندی



کاپیتولاسیون برای اهالی مبارزه موضوع سخت و سنگینی بود چون از آن به بعد مقدرات کشور مستقیماً توسط امریکایی‌ها اداره می‌شد و با تریباتی که تحت عنوان قاعده کاپیتولاسیون جاری می‌شد ما بنده و برده امریکایی‌ها می‌شدیم.

## لزوم تغییر مسیر

در اینجا احساس می‌شد که خفقان و اختناق حاکم باید یک‌جوری به هم بخورد یعنی گاه شرایطی به وجود می‌آید که انسان می‌بیند کار عادی جواب نمی‌دهد و یک مبارزه صرفاً سیاسی نمی‌تواند کشور را از بن بستی که گرفتار شده نجات بدهد باید حادثه اتفاق بیفتد تا مسیر را به نوعی تغییر دهد.

آن چیزی که به نظر این عزیزان رسید این بود که باید مسبب این اتفاقات را مجازات کنند تا با ضربه زدن به رژیم شاید در برنامه‌های پر حجمی که تدارک دیده بود وقفه‌ای حاصل شود سابقه این رویکرد هم به دهه ۲۰ و ۳۰ و اقداماتی که فداییان اسلام برای تغییر سرنوشت کشور انجام داده بودند، می‌رسید.

در حافظه تاریخی این عزیزان هم چنین سابقه‌ای وجود



■ **صاحب امتیاز:** حزب مؤتلفه اسلامی  
 ■ **مدیر مسئول:** محمد مهدی اسلامی  
 ■ **سر دبیر:** حمیدرضا ترقی

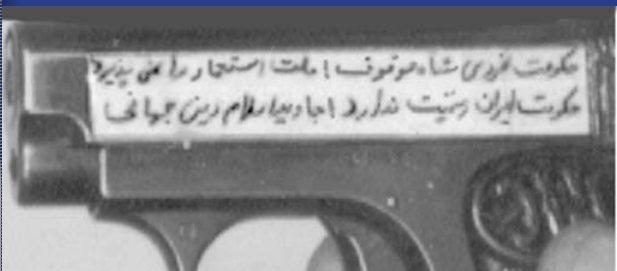
■ **گرافیک:** احمد عبادی  
 ■ **چاپ:** دیجیتال ایران کهن  
 ■ **تلفن:** ۲-۸۸۳۴۸۸۹۱

■ **نمبر:** ۸۸۳۴۲۸۲۱  
 ■ **شماره پیام کوتاه:** ۱۳۴۲۲۰۰۰  
 ■ **سازمان توزیع:** ۸۸۲۲۸۹۰

**اجرای حکم الهی**

گروه مسلح اسلامی اعدام انقلابی هم نمی‌کند زیرا اعدام انقلابی حجت شرعی می‌خواهد اگر نظام، نظام حکومت اسلامی بوده و ولایت امر بر عهده فقیه و یا مجتهد مسلم مأذون از فقیه باشد اساساً در چنین شرایطی کسی نمی‌تواند اعدام انقلابی بکند در چنین وضعیتی دادگاه باید بر مبنای قضاوت و عدل اسلامی هر کسی که مرتکب خیانت و جرم شده است را محاکمه کرده و بر مبنای حدود اسلامی اگر حکم قصاص است قصاص را در مورد او اجرا نماید. اما حتی در دوران مبارزه با رژیم ستم‌شاهی رژیمی که در ۱۵ خرداد این گونه مردم را قتل عام کرده امام را تبعید نموده و به دنبال ریشه کن کردن اسلام در کشور بوده است باز هم یک گروه انقلابی مسلمان وقتی می‌خواهد حسنعلی منصور را از سر راه مسلمین بردارد و به سزای خیانت به نوامیس و آزادی و استقلال و غرور ملی این مملکت برساند باید به دنبال حجت شرعی بگردد. لذا یاران مؤتلفه اسلامی با شهید آیت‌الله مطهری و شهید آیت‌الله بهشتی و برخی دیگر از بزرگان علما و مراجع صحبت می‌کنند و بعد وقتی آقای مطهری به صراحت حکم می‌دهد که برای بازسازی روحیه مردم و اینکه این‌ها بدانند علیرغم این همه خیانت رژیم هنوز ملت زنده است و محکم می‌ایستد این کار ضروری است باز هم برادران مؤتلفه اسلامی آقای حاج تقی خاموشی را به محضر آیت‌الله العظمی مبلانی از مراجع عالی قدر جهان تشیع می‌فرستند قضیه را با ایشان در میان می‌گذارند و از محضر ایشان هم حکم شرعی می‌گیرند. یعنی در دادگاه عدل اسلامی و بر اساس احکام الهی حجت شرعی چنین اقدامی را احراز می‌کنند.

عزیزان و یاران مؤتلفه اسلامی این مبنای را از امام گرفتند حال عده‌ای شبهه مطرح می‌کنند که آیا امام با این حرکت موافق بود یا خیر؟ امام در اعلامیه کابینتولاسیون فرمودند ای علما ای مراجع ای قم ای نجف ای تهران ای مشهد من اعلام خطر می‌کنم رفت اسلام ما را فروختند ملت ما را فروختند آزادی ما را فروختند استقلال ما را گد کوب کردند ملت ایران می‌داند چه خیانتی به این‌ها کرده‌اند بعد می‌فرمایند این‌ها خائن هستند این نمایندگان که این‌ها را تصویب کرده‌اند خائن هستند و نماینده ملت نیستند و اگر نماینده ملت هم بودند من آن‌ها را عزل می‌کردم وقتی امام حکم خیانت می‌دهد بنا بر این یک مجتهد باید عمل این مجرمین خائن را مورد بررسی قضاوت اسلامی قرار بدهد. در ارتباط با مهدور الدم بودن او حکم بدهد حکم اجرا هم بدهد ممکن است خیلی‌ها مهدور الدم باشند ولی مجتهد اجازه اجرای حکم آن‌ها را ندهد.



امروزه ما گرفتار تهاجم گسترده استکباری و استعماری هستیم که می‌خواهد ارزش‌های انقلاب انقلابیون اسلام و انقلاب اسلامی را استحاله کند. بر همین اساس این روزها تلاش می‌کنند که برای اجرای حکم الهی به سوی یافتن حجت شرعی می‌روند و نیتشان را برای خدا خالص می‌کنند که اجرای حکم الهی در مورد حسنعلی منصور را یک اقدام مسلحانه و یا ترور نام‌گذارند لذا می‌گویند ترور حسنعلی منصور و بعد هم مستکبرین در رسانه‌هایشان این موضوع را مطرح می‌کنند که آیا در اسلام ترور وجود دارد یا خیر؟ در اسلام یک بحث فتک وجود دارد که تقریباً به معنای پرور یعنی کشتن بی‌رحمانه غافلگیرانه می‌باشد و اسم فاعل آن هم فاتک یعنی کسی که دیگری را با جسارت و بی‌رحمی می‌کشد و جمع آن هم فتاک می‌شود.

**ترور**

این قتل بی‌رحمانه و ناجوانمردانه همین تروری است که امروز در مبنای بین‌المللی و حقوق بشر ممنوع است و اسم آن را ترور ریم می‌گذارند و آن را جزو جنایات ضد بشریت به حساب می‌آورند هشت فتک در اسلام هم منع شده است به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که شخصی می‌خواست فردی که سب به امیر المؤمنین (ع) کرده بود را بکشد آمد از امام اجازه بگیرد امام فرمودند چگونه می‌خواهی با او برخورد کنی؟ گفت سر راه او می‌نشینم و خیلی تند صحبت کرد حضرت فرمودند این فتک است و در اسلام نهی شده است.

**اعدام انقلابی**

ما در کنار این مطلب اعدام انقلابی داریم. اعدام انقلابی در مبنای حقوق بشر حقوق مدنی و روابط بین‌الملل مورد بحث قرار گرفته است مثلاً در جنگ آزادی بخشی یا مبارزات آزادی بخشی اعدام انقلابی را جزو ترور محسوب نمی‌کنند یعنی الان که در فلسطین اسرائیل غاصب بی‌رحم و جلاد ملت آنجا را زیر سلطه دارد، مبارزات آزادی بخشی ملت فلسطین در انفجار و یا کشتن خائنین اسرائیلی را کسی ترور محسوب نمی‌کند. پس خوب دقت کنید که در مبنای علم حقوق هم این مسئله به عنوان دفاع پذیرفته شده است. اعدام انقلابی در اسلام از موضوع فتک و ترور تفکیک شده است و می‌تواند دفاع مورد بررسی قرار گرفته است زیرا دفاع برای افراد واجب و لازم است و افراد گوناگون هم می‌توانند در این دفاع شرکت کنند لذا در بخش‌های تاریخی هم مثلاً وقتی عباس آقا تبریزی امین السلطان نخست‌وزیر مظفرالدین شاه و ناصرالدین شاه را اعدام انقلابی می‌کند با اینکه برای این کار حجت شرعی ندارد اما چون این فراماسونر خائن را اعدام انقلابی کرده و کشته است این‌هایی که امروز این حرف‌ها را می‌زنند و کشتن منصور خائن را ترور عنوان می‌کنند اقدام عباس آقا تبریزی در اعدام انقلابی امین السلطان را تأیید می‌کنند چون همان‌طور که ذکر شد در دنیا بحث اعدام انقلابی جایگاه خاصی را دارد و به آن مبارزه آزادی بخشی می‌گویند.

## تفاوت ترور، اعدام انقلابی و اجرای حکم الهی